



حدود یک دهه است که ارزشیابی توصیفی وارد نظام سنجش و ارزشیابی دوره ابتدایی شده است و دانش‌آموزان سال‌های اول تا پنجم دبستان به این شیوه ارزشیابی می‌شوند؛ با این حال، پرسش‌های بسیاری در باب کیفیت اجرا و خروجی‌های این شیوه سنجش و ارزشیابی بی‌پاسخ مانده است:

● «مزیت این شیوه سنجش در مقایسه با شیوه‌های قبلی چیست؟»

● «آیا معلمان با اهداف و شیوه‌های اجرای این نوع ارزشیابی آشنا شده‌اند و در اجرای آن موفق هستند؟»

● «آیا خروجی‌های چنین سنجشی تواناتر، داناتر و با توجه به اهداف آموزش و پرورش، شایسته‌ترند؟» هدف از این نوشتار، باز کردن باب گفت‌وگو در مورد ارزشیابی توصیفی و بیان چالش‌هایی است که معلمان در عمل با آن مواجه‌اند. این واقعیت که معلمان دوره‌های بالاتر، نسبت به دستاوردهای خروجی‌های این شیوه ارزشیابی نگران‌اند، اهمیت توجه به این مقوله را بیشتر می‌کند.

واقعیت این است که یاددهی-یادگیری فرایندی تعاملی است. معلم باید از میزان پیشرفت دانش‌آموزان خود و مشکلات آنان در این فرایند آگاه باشد تا بتواند برنامه آموزشی خود را به‌درستی و براساس نیازهای متعدد، متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی دانش‌آموزان تنظیم کند. معلمان این کار را از طریق ارزشیابی انجام می‌دهند. کارشناسان فن آموزش، ارزشیابی را نوعی

# آیا ارزشیابی نقطه پایان است؟!

طاهره رستگار

تصویرگر: پیمان رحیم‌زاده



## در ارزشیابی توصیفی، سنجش مستمر نقش عمده‌ای دارد. اما آیا مفهوم و هدف سنجش مستمر برای دست‌اندرکاران آموزش روشن است؟

یاددهی - یادگیری فرایندی تعاملی است. معلم باید از میزان پیشرفت دانش‌آموزان خود و مشکلات یادگیری آنان در این فرایند آگاه باشد. برای کسب این آگاهی، معلمان از ابزارهای متعددی استفاده می‌کنند؛ مشاهدات روزمره، فعالیت‌های کلاسی، سنجش‌های کتبی و شفاهی، و پروژه‌ها از جمله این ابزارها هستند. اما به واقع شناخت دقیق نقاط قوت و نیز نیازهای آموزشی دانش‌آموزان کار بسیار ظریفی است که مهارت‌های کلیدی خاصی را در حرفه معلمی طلب می‌کند. این شیوه بازخورد دادن معلم را ملزم می‌سازد با استفاده از شواهد متعددی که از طریق **سنجش مستمر و نیز سنجش پایانی** دانش‌آموز جمع‌آوری می‌کند، بتواند هم‌زمان نقاط قوت و ضعف وی را بشناسد و با تکیه بر نقاط قوت، برای رفع نیازهای آموزشی دانش‌آموز چاره‌اندیشی کند. در ارزشیابی توصیفی، سنجش مستمر نقش عمده‌ای دارد. اما آیا مفهوم و هدف سنجش مستمر برای دست‌اندرکاران آموزش روشن است؟

### سنجش مستمر

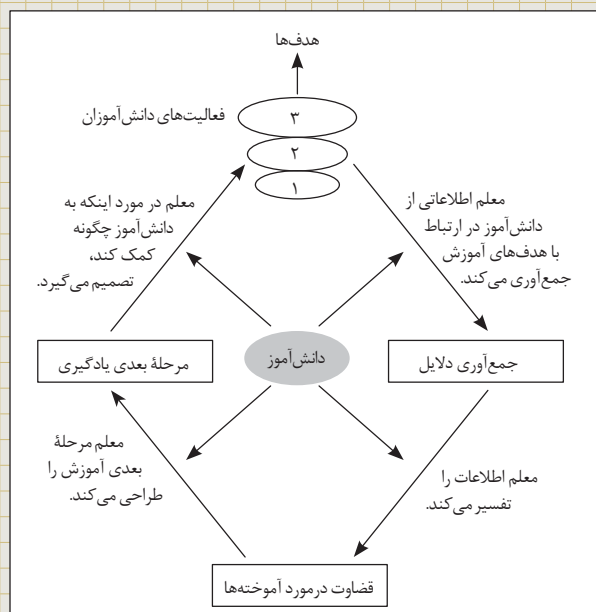
سنجش مستمر را بخشی از فرایند یادگیری تلقی می‌کنند (بلک، ویلیامز، ۲۰۰۰). این فرایند به‌صورت یک چرخه پیوسته آموزش و سنجش است. در این چرخه، معلم براساس فعالیت‌های هدف‌داری که طراحی کرده است، شواهدی از میزان تحقق آن اهداف در دانش‌آموزان را جمع

«فرایند» و نه «فرآورده» می‌دانند و آن را چنین تعریف می‌کنند: «ارزشیابی نوعی فرایند نظام یافته (سیستماتیک) برای جمع‌آوری اطلاعات و تفسیر آن‌هاست تا معلوم شود آیا هدف‌های موردنظر تحقق یافته‌اند، یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزان (گی، ۱۹۹۲).

قضاوت در مورد میزان تحقق اهداف ممکن است در قالب نمره یا توصیف عملکرد دانش‌آموز انجام شود. در ارزشیابی معمول و به عبارتی ارزشیابی سنتی، این قضاوت کتبی و در قالب نمره است؛ شیوه‌ای که هنوز در دوره‌های متوسطه اجرا می‌شود. در چهار سال اول ابتدایی، ارزشیابی به شیوه توصیفی (کیفی) اجرا می‌شود و قرار است به تدریج در تمام دوره ابتدایی جایگزین ارزشیابی کمی شود. ویژگی این شیوه آن است که قضاوت در مورد حدود آموخته‌ها و میزان تحقق اهداف آموزشی، به‌صورت توصیف نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان بیان می‌شود.

در عمل ابزار این دو شیوه ارزشیابی لزوماً متفاوت نیستند، اما آنچه ارزشیابی توصیفی دانش‌آموزان را از ارزشیابی‌های رایج و کمی متفاوت می‌کند، نگرش کیفی به وضعیت دانش‌آموز و شیوه بازخوردی است که به وی داده می‌شود و انتظار می‌رود تا دانش‌آموز با این روش نقاط قوت و ضعف خود را به‌درستی بشناسد و به تدریج بتواند فرایند یادگیری خود را مدیریت کند.

ارزشیابی توصیفی بر این اساس استوار است که



نمودار ۱

دانش‌آموزی را با واژه «نیاز به تلاش بیشتر» توصیف کند، ویژگی‌های تلاشی که از او خواسته می‌شود چیست و در چه جهتی است؟

مشاهدات مکرر نگارنده از کلاس‌های درس و نیز گفت‌وگوهایی که در کارگاه‌های آموزشی با معلمان داشته است، حاکی از این واقعیت است که متأسفانه هنوز معنا و اهداف نهان «ارزشیابی مستمر» و نیز «ارزشیابی توصیفی» برای بسیاری از معلمان و مسئولان مدارس روشن نشده است. معلمان نیازمند مثال‌هایی متنوع و زنده، واقعی و اجرashدنی هستند که دریابند آنان هم می‌توانند بهتر کار کنند؛ به شرط آنکه با مثال‌های مذکور درک کنند که بهتر کار کردن به چه معناست. گسترش ایده ارزشیابی توصیفی از طریق بخش‌نامه و دستورالعمل، راه به جایی نمی‌برد و سوءتفاهم‌ها و بدفهمی‌ها همچنان باقی می‌ماند. برای مثال، بعضی از معلمان چنین تصور می‌کنند که در ارزشیابی توصیفی، سنجش پایانی نقش کم‌رنگی دارد و چندان اهمیتی ندارد. اینکه چنین تصویری درست است یا نادرست و آیا شیوه اجرای این ارزشیابی در عمل همانی است که باید باشد، یا با آن فاصله دارد و بسیاری از پرسش‌های دیگر، نشان‌دهنده ضرورت پرداختن به ارزشیابی توصیفی از باب اهداف و نیز اجرای عملی آن است.

امید است «رشد معلم» بتواند باب این گفت‌وگوها را با مسئولان سنجش و ارزشیابی به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها باز کند.

و سپس تفسیر می‌کند. بعد هم براساس تفسیرها، مرحله بعدی تدریس را طراحی می‌کند (نمودار ۱). ارزشیابی مستمر به هیچ وجه به این معنا نیست که معلم در پایان هر هفته، هر ماه یا هر بخش از درس سنجش‌های مکرری برگزار کند، نمره دهد و در پایان، میانگین نمره‌ها را به‌عنوان نمره سنجش مستمر دانش‌آموز در کارنامه وی لحاظ کند.

بدیهی است که ابزار سنجش مستمر را معلم انتخاب می‌کند. در مواردی این ابزار می‌تواند همان ابزاری باشد که وی در امتحانات پایانی استفاده می‌کند، اما آنچه سنجش مستمر را از سنجش پایانی متفاوت می‌کند، شیوه استفاده از اطلاعات و شواهدی است که معلم در طی این سنجش جمع می‌آورد. به هیچ وجه قضاوتی که معلم براساس این اطلاعات از میزان آموخته‌های دانش‌آموز می‌کند به نمره تبدیل نمی‌شود. از این اطلاعات فقط و فقط در طراحی تدریس مرحله بعد و تعیین گام‌هایی که معلم و دانش‌آموز باید بردارند، استفاده می‌شود و به همین دلیل است که سنجش مستمر در ارزشیابی توصیفی نقش کلیدی دارد.

ارزشیابی توصیفی باید به‌درستی دانش‌آموز را از نیازهای آموزشی‌اش آگاه کند. بیان نتایج سنجش در قالب واژه‌هایی مثل «بسیار خوب» و «خوب» و «نیازمند تلاش»، نه نقاط قوت دانش‌آموز را نشان می‌دهد و نه نقاط ضعف او را. بلکه دانش‌آموز را سردرگم می‌کند که چگونه «خوب» بودن را به «بسیارخوب» شدن تبدیل کند و اگر معلم

#### منابع

1. Gay, L. R. (1991) Educational Evaluation and Measurement (2nd Ed.) Maxwell Macmillan International
2. Assessment of Learning, Wynne Harlen (2007), Sage
۳. رستگار، طاهره (۱۳۹۰). ارزشیابی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر. منادی تربیت، تهران.
۴. رستگار، طاهره (۱۳۸۸). ارزشیابی در خدمت آموزش. منادی تربیت، تهران.